



تلویحات سیاستی ناشی از مناقصه های نفتی و گازی اخیر عراق

علی بی نیاز^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۱

چکیده

از زمان اشغال عراق توسط امریکا تاکنون سه دور مناقصه نفتی و گازی در این کشور برگزار گردیده و دور چهارم آن بناست در ژانویه سال ۲۰۱۲ میلادی برگزار گردد. بر اساس این مناقصه ها، بناست تولید روزانه نفت عراق تا سال ۲۰۱۷ به ۱۲/۵ و یا حتی ۱۳/۵ میلیون بشکه برسد. گرچه رسیدن به این سقف از تولید از نظر کارشناسان نفتی، بلندپروازانه و غیرواقعی ارزیابی می شود.^۲ با این حال سؤال این است که ریشه چنین بلندپروازی هایی در کدام بخش از سیاست و حکومت عراق قرار دارد و این بلندپروازیها ممکن است چه تبعاتی برای آینده سیاسی عراق به همراه داشته باشند؟ نوشتار حاضر با روشی اکتشافی و البته مبتنی بر چارچوب نظریه سازی، به این نتیجه گیری رسیده است که ریشه بلندپروازی های اخیر در سازوکار نفتی و گازی قانون اساسی این کشور و در پیش نویس قانون هیدروکربورهای عراق جای دارد. به این ترتیب، اشکالات ساختاری-قانونی فوق نه تنها می توانند ترجمانی از فروپاشی درونی سیاست نفتی یکپارچه و منسجم در عراق باشند بلکه ممکن است تبعات ناخوشایندی را هم در آینده برای حق حاکمیت، استقلال سیاسی و رفاه اقتصادی کشور عراق به دنبال داشته باشند.

واژگان کلیدی

پیش نویس قانون هیدروکربورهای عراق، تاریخ نفت عراق، سیاست نفتی عراق، قانون اساسی عراق، مناقصه های نفتی و گازی عراق.

۱- دکترای علوم اقتصادی، کارشناس ارشد سیاسی معاونت پژوهشی و مدیر گروه مطالعات اقتصاد بین الملل و انرژی دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (biniaza@yahoo.com).

۲- برخی کارشناسان رسیدن به سطح تولید ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز را به واقعیت نزدیک تر ارزیابی می کنند.

مقدمه

عراق کشوری با ۱۶۹۲۳۴ مایل مربع^۱ مساحت، ۳۱ میلیون نفر جمعیت، ۵۰۵ میلیارد بشکه نفت در جا و حداقل ۱۱۵ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال^۲ می‌باشد. عراق دارای ۷۸ میدان نفتی شناخته شده است که از این میان ۹ میدان آن میدانهایی بسیار بزرگ^۳ هر یک با ذخیره نفتی قابل استحصالی بیش از ۵ میلیارد بشکه می‌باشد. ۹۰ درصد از درآمدهای ارزی این کشور به صادرات نفت وابسته است. گفته می‌شود هزینه تولید نفت در این کشور در کمترین حد ممکن جهانی و در مناطق جنوبی این کشور بین ۱/۵ تا ۱/۸ دلار در هر بشکه نفت می‌باشد؛^۴ و ۹۰ درصد از خاک این کشور در بخش صحرای غربی با احتمال دارا بودن ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت تازه، هنوز مورد پیمایش و اکتشاف قرار نگرفته است. به این ترتیب چشم انداز ذخایر نفتی این کشور قابل افزایش خواهد بود.

نه تنها سیاست نفتی این کشور در سالهای دهه ۱۹۷۰ در دشمنی با غرب و شرکت‌های بین‌المللی نفتی رقم خورد و این امر- با توجه به وسعت ذخایر و کیفیت بالای منابع نفتی این کشور- معنا و مفهومی قابل توجه را برای بازارهای نفتی جهان و سیاست نفتی کشورهای عضو سازمان صادر کنندگان نفت (اوپک) به همراه داشت، بلکه احتمال چرخش در سیاست نفتی این کشور در سالهای اخیر به سود شرکتهای بین‌المللی نفت و گاز هم می‌تواند معنا و مفهوم متفاوتی را برای سیاست جهانی و منطقه ای نفت، گاز و انرژی در آینده بدنبال داشته باشد. به این ترتیب، سیاست نفتی عراق در گذر زمان مانند پاندولی نوسان کننده بین افراط و تفریط قابل تجسم است.

پیش از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳، اداره اطلاعات انرژی و وزارت انرژی آمریکا برآوردی از ذخایر نفتی عراق را در حد ۱۱۲ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال منتشر نمودند. بلافاصله در واکنش به این خبر، فدراسیون دانشمندان آمریکا حجم ذخایر فوق را با توجه به اینکه هنوز ۹۰ درصد از خاک عراق در صحرای غربی مورد کاوش

۱- ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع

۲- دانشنامه آزاد ویکیپدیا حجم ذخایر ثابت شده عراق را ۱۴۳ میلیارد بشکه می‌داند. به هر حال، منابع مختلف، برآوردهای مختلفی از حجم ذخایر عراق را مطرح می‌نمایند که تفاوت‌های یاد شده اهداف این نوشتار را چندان تحت تأثیر قرار نمی‌دهند.

3- Super giant

۴- اما گزارش کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۵ به نقل از صفحه خانه اینترنتی محمد حسین نوروز علی " هزینه افزایش تولید نفت در این کشور برای هر یک میلیون بشکه در روز را بین ۳ تا ۵ میلیارد دلار می‌داند." رجوع شود به

<http://mhnoroozali.persianblog.ir/post/33>

قرار نگرفته، نزدیک به ۲۱۵ میلیارد بشکه اعلام نمود. پس از اشغال عراق، جرج دابلیو بوش رییس جمهور پیشین امریکا و نیز کنگره نمایندگان این کشور از شنیدن خبر انتشار پیش نویس قانون نفت و گاز عراق در سال ۲۰۰۷^۱ اظهار شادمانی و استقبال نمودند. گزارش بخش تحقیقات کنگره امریکا به نقل از اداره اطلاعات انرژی این کشور حاکی است که دولت امریکا از ماه مارس ۲۰۰۹ در راستای کمک به نوسازی بخش نفت و گاز عراق، قول داده است^۲ که مبلغ ۲/۰۵ میلیارد دلار خرج نماید (Guner, 2010).

جو بایدن معاون رییس جمهوری امریکا نیز در سفر ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۹ خود به عراق،^۳ اعلام کرد که لازم است عراق به منظور جذب سرمایه خارجی و به مزایده گذاشتن تعداد بیشتری از میدین نفت و گاز خود، شرایط دور دوم مناقصه ها را سخاوتمندانه تر در نظر گیرد. امریکائیه‌ها معتقدند هر قرارداد نفتی جدید برای عراق به معنی جذب ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی، ۶۰۰ میلیون دلار درآمد اضافی برای کشور و دهها هزار شغل جدید است. آنان معتقدند با توجه به میزان ظرفیت مازاد تولید نفت روزانه ۴ میلیون بشکه ای اوپک برای بازار ۹۰ میلیون بشکه ای جهان، بازار به نفت عراق نیاز دارد. این در حالی است که در نقطه مقابل، برخی تحلیلگران مستقل، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی عراق و توسعه صنایع کوچک و متوسط را برای اقتصاد با نرخ بالای بیکاری این کشور، مناسب تر دانسته و اصولاً بخش نفت و گاز را ایجاد کننده اشتغال چندان بالایی نمی دانند. در عین حال باید از نظر دور نداشت که این حجم بالا از مناقصه های واگذار شده، حجم زیادی از خدمات فنی و مهندسی را برای شرکتهای فرعی و وابسته خارجی ایجاد خواهد کرد که سهم اشتغالی آن برای کارگران فاقد مهارت عراق چندان بالا نخواهد بود.

مسئولان نفتی عراق در اظهارات خود سیاست نفتی این کشور را غالباً سیاستی مستقل، به دور از اعمال نفوذ دولت امریکا و تا حد زیادی سختگیرانه در مقابل منفعت جویی خارجیان معرفی می کنند. به زعم ایشان به رغم آنکه امریکا دولتی اشغالگر است، اما شرکتهای امریکایی در مناقصه های نفتی و گازی اخیر عراق، توفیقات چندانانی را نصیب خود نکرده اند. البته از نظر این دولتمردان احتمالاً نه تنها میزان مشارکت شرکتهای امریکایی

۱- این پیش نویس هنوز هم به تصویب مجلس نمایندگان این کشور نرسیده است و در نوع خود بزرگترین معضل قانونی بخش نفت و گاز می تواند بشمار رود.

2- Has pledged

۳- این سفر در فاصله زمانی بین دور اول و دور دوم مناقصه های نفتی عراق انجام شد.

در بخش نفت و گاز کردستان عراق و نیز در خدمات فرعی واگذار شونده از سوی برندگان مناقصه های اخیر عراق کمتر مورد توجه قرار گرفته که فراموش نموده اند که برای کشوری به مانند امریکا با آن درجه از هژمانی در تولید کارآمدترین فناوریهای نفتی روز، هر رشد حادث در بخش خدمات فنی و مهندسی نفت در هر نقطه از جهان که باشد، رشدی را هم برای صنعت نفت آن کشور بدنبال خواهد داشت.

بعلاوه هدف امریکا پیش از آنکه بدست آوردن سهمی از کلوچه خدمات فنی و مهندسی نفت عراق باشد، می تواند باز شدن سریع، وسیع و بدون بازگشت نفت عراق به سوی بازارهای جهانی و به طور هم ارز، شکسته شدن انحصار چندگانه^۱ نفتی کشورهای عرب خاورمیانه-آن هم با وضع شکننده امروزشان از نظر ثبات سیاسی و اجتماعی- باشد. هدفی که در اجرای آن، یار دیرینه نفتی و از خودگذشته سیاست نفتی امریکا در میدان همآوردی طراحی و ساخت خط لوله باکو- تفلیس- جیحان، یعنی شرکت بی پی، به کمک آمد و عملاً با رضایت دادن به نرخ پاداشی در هر بشکه تولید نفت مازاد به اندازه ۵۰ درصد نرخ درخواستی اولیه خود در دور اول مناقصه ها، بالاخره طلسم بی نتیجه ماندن مناقصه های شروع شده از سال ۲۰۰۸ عراق را شکست و راه را بر مذاکره تعداد بیشتری از قراردادهای بعدی مناقصه ها گشود.

البته رسانه های غربی افتخار این پیروزی ظاهری را به نام دولت عراق و سیاست سخت گیرانه آن در حیطة نفت و گاز ضرب نمودند. افتخاری که بر آن اساس عراق موفق شده بود تا با تحمیل شرایط درخواستی خود بر شرکتهای نفتی بین المللی، رکورد جدیدی از دریافت خدمات فنی و مهندسی ارزان نفت از سوی شرکتهای غول پیکر بین المللی نفتی را در عراق به ثبت برساند.

به هر حال پس از اشغال عراق توسط امریکا تاکنون و یا بهتر بگوییم پس از سال ۲۰۰۸ تاکنون، دولت عراق سه دور مناقصه نفتی و گازی را به مورد اجرا گذاشته و این مناقصه ها در بالاترین حد انتظار چشم انداز تولید نفتی را، در حدود ۱۲ میلیون بشکه نفت در روز نوید می دهند. وزیر نفت عراق اخیراً اعلام نموده است که این قراردادهای انتظار می رود با برداشت ۶۰ میلیارد بشکه از ذخایر نفتی عراق، درآمدی را معادل ۴/۲ تریلیون دلار نصیب دولت این کشور سازند. نفع عایدی از این قراردادهای برای دولت عراق نسبت به شرکت های

بین‌المللی خدماتی شرکت‌کننده در مناقصه‌ها از نظر وزیر نفت عراق، معادل ۹۹ درصد خواهد بود! این چشم‌انداز نه تنها به لحاظ زیرساخت‌های فیزیکی و مواصلاتی ضعیف عراق و ضعف‌های فنی و حقوقی مفرط صنعت نفت و دولت این کشور، بلکه به واسطه عدم درک کافی دولت عراق از تحولات آینده بازار جهانی نفت از ابعاد مختلف مورد تردید قرار گرفته است.

حال با این توصیفات، سؤال اینست که معنا و مفهوم بلندپروازیهای نفتی اخیر عراق از منظر تئوری بازیها^۱ با توجه به چارچوب قانونی که دولت عراق بر آن اساس دست به کار عقد قرارداد جهت اکتشاف و توسعه میادین نفتی و گازی خود شده، چه می‌تواند باشد؟ سؤال بعدی اینست که هدف رسیدن به ۱۱ و یا ۱۲ میلیون بشکه تولید روزانه نفت، چه تلویحاتی^۲ را می‌تواند برای حق حاکمیت و استقلال سیاسی عراق در خود مستتر داشته باشد؟

روشن است که معنا و مفهوم بلندپروازیهای نفتی عراق جدای از منظری که در این نوشتار مورد پیگیری قرار گرفته، از منظر دیگری هم قابل تبیین است که مجال پرداختن به آن در اینجا وجود ندارد. مجال جدید به نتایج سیاستی ناشی از مناقصه‌های بلندپروازانه نفتی و گازی اخیر عراق برای ساختار آتی بازار نفت و گاز جهان و تغییرات در وزنهای قدرتی شرکتهای بین‌المللی نفت و گاز در مقابل شرکتهای ملی نفت و گاز مربوط می‌شود. به این ترتیب، این سؤال هم چنان مطرح خواهد بود که چشم‌انداز درآمدی کشورهای عضو اوپک شامل عراق چگونه خواهد بود و آیا اساساً عراق خواهد توانست به ۴/۲ تریلیون دلار درآمد نفتی مورد انتظار خود در تعقیب این مناقصه‌ها دست یافته و بهروزی

۱- در واقع نظریه بازیها چارچوب نظری استنتاجات این نوشتار را تشکیل می‌دهد که برای اجتناب از اطاله کلام و رعایت حوصله خوانندگان بدون اشاره به قانون مندیهای آن، از نتایجش در متن نوشتار استفاده شده است. به اختصار، نظریه بازیها تعاملات را به صورت سلسله حرکت‌های پی در پی بازیگران ترسیم می‌کند. هر بازیگر در هر مرحله از بازی، گزینه انتخابی خود را بر اساس انتظاری که از انتخاب راهبرد در مرحله بعد توسط بازیگر دیگر دارد، تعیین می‌کند. این چارچوب مفهومی به ما می‌گوید که وقتی یک قانون طراحی می‌شود، بازیگران دارای نفوذ خواه در مجلس حضور داشته باشند و خواه نقش مشاوران را ایفاء نمایند، می‌توانند پیشنهادات قانونی را به گونه‌ای طراحی نمایند که یک هدف ثانوی را ولو آن هدف در ذهن نمایندگان از قبل جایی نداشته باشد، تعقیب نمایند. به نظر ما، تنظیمات قانونی نفت و گاز عراق بگونه‌ای طراحی شده که تولید بیش از اندازه لازم را در راستای بیشینه‌سازی منافع غربیان تأمین می‌نماید. حتی اگر بر فرض محال چنین هدفی هم از اول مد نظر نبوده باشد، به هر حال در عمل چنین پیامدی در پی آمده است و البته روشن است که با این دستاورد بزرگ، امریکا نباید نگران بیرون بردن نیروهای خود از عراق باشد.

اقتصادی و تضمین استقلال خود را رقم زند؟

با این مقدمه نسبتاً طولانی، ساختار نوشتار حاضر به شرح زیر می باشد: قسمت دوم نوشتار به صورت گذرا پیشینه سیاست نفتی عراق را مرور می نماید؛ در قسمت سوم، کلیات مناقصه های نفتی و گازی اخیر عراق و و برنده های آنها را تا حدی که دسترسی به اطلاعات مقدور بوده است، بیان می نماید. قسمت چهارم، با نگاهی از زاویه دید نظریه بازیها، به نحوه مدیریت نفت و گاز در قانون اساسی عراق و پیش نویس قانون هیدروکربورهای این کشور اشاره داشته و این نظریه را مطرح می کند که چارچوبه قانونی موجود عراق، تولید نفت مازاد و بی رویه را تشویق نموده و عملاً از فروپاشی درونی یک سیاست نفتی یکپارچه در عراق حکایت می کند. در قسمت پنجم، ابهامات حقوقی احتمالی در ساختار قراردادهای اخیر نفتی و گازی عراق مورد توجه قرار گرفته و سعی می شود به صورت گذرا به تلویحات ناشی از آنها بر حسب امکان آسیب پذیری حق حاکمیت و استقلال سیاسی عراق در آینده اشاره شود. قسمت ششم هم به نتیجه گیری اختصاص دارد.

پیشینه سیاست نفتی عراق

نفت عراق از دهه ۱۹۲۰ به بعد با مشارکت کنسرسیومی از شرکتهای نفتی با اکثریت انگلیسی، و اقلیت فرانسوی و امریکایی مانند بی پی، رویال داچ شل، آگزان موبیل و سی اف پی فرانسه، تحت عنوان «شرکت نفت عراق» مورد اکتشاف و بهره برداری قرار گرفت. اما در این شرکت، همواره اختلافی بین جبهه شرکتهای انگلیسی- امریکایی از یک سوی و شرکتهای فرانسوی و دولت عراق از سوی دیگر بر سر منافع ناشی از تولید وجود داشت. شرکتهای انگلیسی- امریکایی در پی کاهش تولید در عراق به منظور حداکثرسازی قیمت و سود خود بودند.^۱ همین عامل گفته شده است که می تواند یکی از دلایل مهم بی ثباتیهای سیاسی عراق و تجربه خشونت بار کودتا و سرنگونی در سالهای بعد باشد؛ چرا که عملکرد کنسرسیوم نفتی عراق، درآمد کافی را برای توسعه و عمران این کشور در اختیار دولت نمی گذاشت.

به هر حال در پی کودتای عبدالکریم قاسم بر ضد فیصل در سال ۱۹۵۸، مذاکراتی بین

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به تارنمای روی خط زیر:

دولت عراق و شرکت نفت عراق که در واقع کنسرسیومی متشکل از چند شرکت خارجی نفت بود، با لحنی چالش برانگیز در سال ۱۹۵۹ شروع شد.

این مذاکرات عمدتاً در خصوص در اختیار گذاشتن ۶۰ درصد از مناطق تحت پوشش امتیاز نفت و در اختیار کنسرسیوم نفتی به دولت عراق و نیز دو برابر نمودن تولید نفت و ساخت یک پالایشگاه در عراق بود. منتهی سرسختی و مقاومت کنسرسیوم در مقابل دولت عراق، راهی را برای ادامه مسالمت آمیز مذاکرات باقی نگذاشت. تا اینکه مذاکرات فوق در اکتبر سال ۱۹۶۱ میلادی - یعنی تقریباً مقارن با تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) - پایان یافت و این کشور به اولین دور از ملی نمودن صنعت نفت خود مبادرت ورزید. فرآیندی که نهایتاً با ملی نمودن دارائیهای کنسرسیوم نفت عراق در اول ژوئن ۱۹۷۲ کامل شد. به این ترتیب زمینه تأسیس شرکت ملی نفت عراق در سال ۱۹۶۴ فراهم آمد و سیاست نفتی عراق^۱ بر مبنای صادرات نفت مستقل از نفوذ شرکتهای بین‌المللی نفتی غرب و کمک به اهداف تولیدی سازمان اوپک و فرموله نمودن راهبرد نفتی این سازمان بگونه‌ای که افزایش قیمت نفت در سرلوحه اهداف آن باشد، دنبال شد.

از سال ۱۹۶۷ میلادی به بعد صنعت نفت عراق به صورت محدود از خدمات فنی و مهندسی شرکتهای خارجی هم چون شرکت الف فرانسوی و براس پترو بزرگ برزیلی در برخی میادین نفتی خود مانند مجنون و نهر عمر استفاده نمود. هم چنین مقارن سال ۱۹۶۹ دولت عراق دو قرارداد نفتی با اتحاد شوروی سابق بست؛ در واقع در این سالها عمدتاً عراق به جانب دریافت کمک از فرانسه و روسیه در راستای پیشبرد سیاست نفتی خود چشم امید داشت. در نوامبر سال ۱۹۶۷ شرکت ملی نفت عراق قراردادی را با شرکت فرانسوی برای توسعه برخی میادین نفتی بزرگ خود (اما نه در شمال رمیله)، بر مبنای قانون مصادره اراضی نفتی از کنسرسیوم، موسوم به قانون ۸۰ به امضاء رسانید که بعداً مورد اعتراض کنسرسیوم قرار گرفت. هم چنین به منظور توسعه میدان از قبل توسعه یافته شمال رمیله، شرکت ملی نفت عراق در سال ۱۹۶۷ به اتحاد شوروی سابق روی آورد.

این همکاریها بعداً ادامه یافت. به این ترتیب، احتمالاً حال راحت تر می توان به بخشی از دلیل مخالفت فرانسه با جنگ امریکا بر ضد رژیم بعثی صدام و نیز خط و نشان کشیدنهای

۱- جالب است که کودتای حزب بعث نیز در همین ایام یعنی در سال ۱۹۶۸ اتفاق افتاد، حزبی که چپ‌گرایی اساس سیاستهای آن را در آینده تشکیل داد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس روی خط زیر از دانشنامه اسلامیکا در باره حزب بعث مراجعه شود:

روسها پس از شروع لشکرکشی امریکا به عراق مبنی بر اینکه «به امریکائیه‌ها خواهند فهماند که معنا و مفهوم عمل نمودن در خارج از چارچوب سازمان ملل یعنی چه»، پی برد. وزارت نفت عراق در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد و در سال ۱۹۸۰ چهار شرکت دولتی نفتی منجمله شرکت بازاریابی نفت عراق تأسیس شدند. در سال ۱۹۸۷ شرکت ملی نفت عراق در وزارت نفت این کشور ادغام شد.

به نظر می‌رسد یک طنز تلخ تاریخ معاصر ما اینست که سه کشور ایران، عراق و ونزوئلا در دهه‌های گذشته در سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک حامی افزایش جدی قیمت‌های نفت بودند. از این سه کشور، ایران انقلابی اسلامی را از سر گذرانید و به عنوان چالشی غیرقابل علاج در مقابل غرب درآمد. عراق در معرض حمله نظامی قرار گرفت و تغییر رژیم را تجربه نمود و اینک می‌رود تا سیاست نفتی متفاوتی را - هر چند به صورتی ناخواسته - در پیش بگیرد. اما ونزوئلا با بهره‌برداری از مزیت همسایگی خود با امریکا، به رغم آنکه آبستن حوادثی چندان نامعلوم است، هم چنان به چپ‌گرایی خود ادامه می‌دهد.

در نتیجه سیاست‌های چپ‌گرایانه نفتی دولت عراق در دوره صدام و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ضد این کشور، زیرساخت‌های فیزیکی، فنی و حقوقی در بخش نفت عراق ضعیف باقی ماند. میدان نفتی رمیله به عنوان بزرگترین میدان نفتی عراق با ۱/۶ میلیون بشکه تولید نفت روزانه در جنوب عراق قرار دارد. با این حال فرآیند تولید از مدیریت ضعیف نگهداری مخزن، حفاری‌های بیش از اندازه، پوسیدگی لوله‌ها به خصوص آن بخش از لوله‌ها که میادین نفتی را به اسکله بارگیری دریایی وصل نموده و در زیر آب قرار دارند، رنج می‌برد. حتی اخیراً رسانه‌ها گزارش نمودند که به منظور کاستن از میزان فشار نفت بر جداره لوله‌ها که احتمال نشت نفت را بدنبال دارد، از تزریق ماده‌ای شیمیایی در نفت استفاده می‌شود.

در نتیجه این ضعف‌های ساختاری، در دهه‌های گذشته تولید نفت عراق از سیر کاهشی برخوردار بوده است. به عنوان مثال، عراق در سال ۱۹۷۹ روزانه ۴ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد که این میزان در سال ۱۹۹۰ به ۳/۵ میلیون بشکه کاهش یافت. با شروع جنگ اول خلیج فارس و حمله صدام به کویت، تولید نفت عراق به یکباره به ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافت. مسئولین نفتی عراق انتظار داشتند تا سال ۲۰۰۰ میلادی سطح تولید نفت

مجدداً به ۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد که این مقصود با توجه به ادامه کارکرد ضعیف زیرساختهای صنعت نفت عراق و مخالفت سازمان ملل متحد با در اختیار گذاشتن تجهیزات لازم جهت بازسازی این صنعت، عملی نشد. در نتیجه مآلاً عراق تا سال ۲۰۰۲ میلادی نتوانست به تولید ۲/۵ میلیون بشکه در روز نزدیک شود.

پترواکنومیسست در ژانویه ۲۰۱۱ گزارش داد که تولید نفت عراق به سطح ۲/۴۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. به هر حال مسئولین نفتی عراق تولید این کشور را در حال حاضر معادل ۲/۷ میلیون بشکه در روز می‌دانند. گفته می‌شود افزایش تولیدی معادل ۲۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز هم تا پایان سال ۲۰۱۱ در انتظار بخش نفت عراق می‌باشد. به هر حال یک سرمایه‌گذاری عمده در بخش نفت عراق، می‌تواند براحتی تولید نفت این کشور را در سالهای دهه بعد به ۳ تا ۵ میلیون بشکه در روز برساند.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا معتقد است تا سال ۲۰۱۵ با افزایش تولید یک میلیون بشکه دیگر، تولید نفت عراق به ۳/۷ میلیون بشکه در روز بالغ خواهد شد که در آن زمان تولید نفت ایران پشت سر گذاشته خواهد شد و به این ترتیب، تدریجاً زمینه برای پایان یافتن غیبت ۲۱ ساله عراق در نظام سهمیه‌های اوپک فراهم خواهد آمد. در قبال ورود نفت عراق به نظام سهمیه‌های اوپک، کشورهای دیگر عضو مجبور خواهند شد سهمیه نفت خود را کاهش دهند و این امر به تغییر موازنه قدرت در درون اوپک دامن خواهد زد. با این حال، اخیراً یک مسئول نفتی عراق، چنین اظهار داشته که عراق پس از ترمیم تولید خود در سالهای آتی، مستحق جبران در نظام سهمیه‌های اوپک خواهد بود. چنین اظهارنظری- هر چند عجولانه- اما فرضی جز احتمال خروج عراق از سازمان کشورهای صادرکننده نفت را ممکن است علامت ندهد.

به این ترتیب، تا آنجا که به سیاست نفتی عراق در آینده مربوط می‌شود، روشن است که از نظر غربیها عراق در آینده با دو گزینه اساسی مواجه خواهد بود. گزینه اول تجدید حیات شرکت ملی نفت عراق بر اساس راهبردهایی مشابه با راهبردهای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، که در آن صورت عراق به یک رهبر نفتی در اوپک تبدیل خواهد شد و با مشارکت سایر اعضاء سازمان اوپک، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت را در راستای ثابت نگه داشتن قیمت‌های بالای نفتی در بازار جهانی، برای دوره قابل توجهی از زمان محدود نگه خواهد داشت؛ تا آنکه فناوریهای جدید انرژی جهت پایان دادن به این وضع و کارا

نمودن بهره برداری از انرژیهای فسیلی توسط کشورهای مصرف کننده در بازار جهانی ابداع و معرفی کردند. گزینه دوم اینست که عراق با تجدید ساختار صنعت نفت خود اجازه دهد تا سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب شده و خصوصی سازی در بخش نفت این کشور صورت پذیرفته و به این ترتیب رقابت بین عملیات نفتی در داخل کشور سبب رقابت بیشتر در بازار جهانی نفت گردیده و به کاهش قیمت‌های انرژی در خلال زمان منجر گردد.

آنچه مسلم است جهان در قرن حاضر در حال جابجا شدن از تولید و مصرف انرژیهای فسیلی به سوی تولید و مصرف انرژیهای تجدیدپذیر است. با این حال به نظر می رسد وابستگی شدید بخشهایی از اقتصاد جهانی هم چون حمل و نقل به مصرف نفت ادامه خواهد یافت. این بدان معنی است که تمام انباره موجود انرژیهای فسیلی جهان در یک بازه نسبتاً قابل توجه زمانی مورد نیاز خواهد بود. بنابراین کشورهای منطقه سرشار از انرژیهای فسیلی خلیج فارس، نه تنها به صرفه شان نخواهد بود که مانند گذشته بر طبل سیاسی و توخالی افزایش قیمت‌های نفت در آینده بکوبند که از دگر سوی هم دلیلی وجود ندارد که بخواهند با تک روی، بلندپروازیهایی خیال پردازانه و فریب هیمنه سیاسی و یا مشورت‌های فنی احتمالاً مزورانه قدرتهای غربی را خوردن، عملاً در راهی قرار گیرند که چوب حراج را به دارائیهای فسیلی آنان بزنند. به این ترتیب، این کشورها به هماهنگی با یکدیگر و تشریک مساعی صادقانه به منظور اتخاذ رویه ای عادلانه در تولید و قیمت گذاری نیاز دارند. هم چنانکه به گفتگو با کشورهای مصرف کننده در هیأتی جمعی به منظور مرتبط ساختن تولید و انتقال انرژیهای فسیلی خود با انتقال و توسعه فناوریهای پاک فسیلی و غیرفسیلی نیاز خواهند داشت. بی تردید، عراق نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد.

مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر عراق

پنج سال پس از اشغال عراق، در ۱۳ اکتبر سال ۲۰۰۸، نشست‌های به دور از دسترسی اصحاب رسانه ها در لندن بین حسین شهرستانی وزیر نفت عراق و مسئولانی از شرکتهای معظم بین المللی نفت هم چون رویال داچ شل، شورون، بریتیش گس و بی پی برگزار شد (Satter, 2008). بعداً در این نشست انجام شده در پشت درهای بسته - که کیفیت برگزاری آن نگرانی برخی شرکتهای دست اندر کار نفت و گاز جهان را دامن زد - معلوم شد مناقصه هایی برای پوشش دادن به ۸۲ درصد از میادین نفتی عراق جهت توسعه و تولید پیشنهاد

شده بود. به هر حال ۱۱ ماه بعد در سپتامبر سال ۲۰۰۹ وزارت نفت عراق این مذاکرات را بدلیل بیش از حد طولانی شدن دوره انتظار جهت رسیدن به هرگونه توافق، پایان یافته تلقی نموده و عملاً دست به کار اعلام مناقصه‌هایی آشکار و تلویزیونی شد. تا زمان نگارش این نوشتار سه دور از این مناقصه‌ها پایان یافته و دور چهارم آن هم در سه ماهه آخر سال ۲۰۱۱ بناست برگزار گردد. (Iraq-business news, 2011)

شرایط عمومی این مناقصه‌ها به این صورت است که پس از تعیین صلاحیت شرکتهای علاقمند به شرکت در مناقصه، برای هر میدان یک حداقل تولید توسط وزارت نفت عراق داده می‌شود که به سطح تولید فعلی میدان خیلی نزدیک است و به شرکتها تا آن حد از تولید گفته می‌شود که پاداشی فراتر از هزینه‌های تولیدی داده نمی‌شود. فراتر از آن سطح تولید، نرخ پاداشی در هر بشکه توسط وزارت نفت پیشنهاد می‌شود و شرکتها با ملاحظه مشخصات میدان، نرخ پیشنهادی متفاوت خود را مطرح می‌نمایند (Walt 2009). طبیعتاً میدان به آن شرکتی واگذار خواهد شد که از نظر وزارت عراق در این باره به بهترین وجه خواسته آن را تأمین نماید. علاوه بر این، برنده مناقصه موظف است مبلغی از قبل تعیین شده را به عنوان حق امضاء قرارداد به وزارت نفت عراق بپردازد که از آن شرکتها به امتیاز وام نرم یاد نموده‌اند. دولت عراق ابتدا مجموع پرداخت اخیر را در حد ۲/۶ میلیارد دلار در نظر گرفته بود که با توجه به عدم استقبال شرکتها از انعقاد قرارداد در دور اول مناقصه‌ها، آن را به ۱/۶ میلیارد دلار کاهش داد. بالاخره اینکه قراردادهای پیشنهادی از نوع خدماتی هستند و مدت آنها ۲۰ سال در نظر گرفته شده که تا ۵ سال دیگر هم قابل تمدید می‌باشند و شرکتهای طرف قرارداد دولت اقلیم کردستان از شرکت در مناقصه‌های دولت مرکزی ممنوع شده‌اند. داده‌های مهم مربوط به این سه دور مناقصه^۱ که طی آن ۱۲ قرارداد نفتی و ۳ قرارداد گازی بسته شد، به شرح زیر می‌باشد (Iraq Oil Forum, 2011):

۱. دور اول مناقصه‌ها

اطلاعات مربوط به این دور از مناقصه‌ها که از ماه ژوئن ۲۰۰۸ در دسترس شرکتهای بین‌المللی قرار گرفته بود، نهایتاً در ۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۹ به صورت علنی برگزار گردید و

۱- اطلاعات تفصیلی مربوط به مناقصه‌های سه‌گانه نفتی و گازی عراق از اسناد موجود در صفحه‌خانه‌های الکترونیکی روی خط Iraq Oil Forum و بعضاً Iraq Oil Report گرفته شده است.

در آن ۳۰ شرکت خارجی در مورد ۳۲ میدان به رقابت پرداختند که در نهایت با توافق در مورد یک قرارداد مذاکرات در روز برگزاری مناقصه پایان یافت.

در این دور، ۸ میدان شامل ۶ میدان نفتی به نامهای رمیله، قرنه غربی، زبیر، کرکوک، میسان، بای حسن و ۲ میدان گازی به نامهای عکاز و منصوریه به مناقصه گذاشته شد. نفت در جای این میادین گفته می شود به حدود ۱۸۰ میلیارد بشکه بالغ می شود. در این دور، به استثنای میدان رمیله که به کنسرسیوم انگلیسی-چینی بی پی و سی ان پی سی واگذار شد، برنده دیگری وجود نداشت. سطح حداقل تولید این میدان ۱۷۵۰۰۰۰ بشکه اعلام شده بود. عملکرد فعلی میدان بین ۹۵۰۰۰۰ تا ۱۰۵۰۰۰۰ تا ۱۱۲۰۰۰۰ بشکه مختلف گزارش شده است. نرخ پاداش تولید ۲ دلار در هر بشکه از سوی وزارت نفت پیشنهاد شده بود که کنسرسیوم برنده خواهان ۳/۹۹ دلار در هر بشکه بود. برندگان بنا بوده تا اوایل سال جاری تولید را به ۱/۲ میلیون بشکه و تا سال ۲۰۱۲ به ۱/۵ میلیون بشکه افزایش دهند. از آن پس پیش بینی می شود که افزایش تولید آسانتر باشد. در این میدان که بزرگترین میدان نفتی عراق بین کویت و جنوب عراق می باشد، دولت عراق ۸۰۰ حلقه چاه حفر نموده که ۵۰۰ حلقه آن غیرفعال و ۲۰۰ حلقه مشغول فعالیت می باشد. مدیر ارشد اجرایی بی پی معتقد است که میدان رمیله دارای ۶۵ میلیارد بشکه نفت در جاست که از آن میزان تاکنون ۱۲ میلیارد بشکه برداشت شده و انتظار می رود ۱۵ میلیارد بشکه دیگر در آینده برداشت شود.

به هر حال در تعقیب دور اول مناقصه ها، مذاکرات در خصوص چهار میدان دیگر ادامه یافته و به سرانجام رسید. این میدانها عبارتند از:

✓ فاز اول قرنه غربی که کنسرسیوم اگزان و شل برنده آن بودند. نرخ پیشنهادی پاداش عراق برای این میدان ۱/۹۰ دلار و درخواست کنسرسیوم ۴ دلار بود که نهایتاً به ۳/۷۰ دلار تن داد. این میدان در حال حاضر روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه تولید دارد. حداقل تولید ۶۰۰۰۰۰ بشکه از سوی دولت تعیین شده و کنسرسیوم برنده بناست آن را در عرض هفت سال به ۲۸۲۵۰۰۰ بشکه برساند. در این میدان ظرفیت تولید برای ۶۰۰۰۰۰ بشکه از قبل نصب شده است که بنا بوده تا پایان فصل اول ۲۰۱۱ کنسرسیوم سطح تولید را به ۲۶۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

✓ میدان زبیر که دولت عراق پیشنهاد نرخ پاداش ۲ دلار و سطح حداقل تولید ۴۰۰۰۰۰

بشکه را مطرح کرده بود. برنده این میدان کنسرسیومی مرکب از انی، ساینوپک، اکسیدنتال و شرکت گاز کره جنوبی بود که ابتدا پیشنهاد ۴/۸۰ دلار و نهایتاً ۴/۴۰ دلار در هر بشکه را پذیرفت. سطح تولید فعلی این میدان ۲۰۱۰۰۰ بشکه در روز می باشد که تا پایان سال ۲۰۱۰ بنا برآورده به ۲۵۰۰۰۰ بشکه افزایش یابد. هدف نهایی کنسرسیوم اینست که تولید آن را به ۱/۲ میلیون بشکه برساند.

✓ میدانهای گروه میسان شامل میادین بزرگان، فوق و ابوقریب که نرخ پیشنهادی پاداش ۲/۳۰ دلار و سطح حداقل تولید ۲۷۵۰۰۰ بشکه از سوی دولت عراق برای آن پیشنهاد شده بود و کنسرسیوم برندگان مرکب از کنوک و ساینوکم، با درخواست اولیه ۲۱/۴۰ دلار و نهایتاً ۱۸/۹۰ دلار در هر بشکه پاداش آن را پذیرفتند. تولید فعلی این میدان ۱۰۰۰۰۰ بشکه است که کنسرسیوم باید آن را به ۴۵۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

✓ میدان بای حسن که نرخ پاداش درخواستی وزارت نفت عراق ۴ دلار در هر بشکه بود و کنسرسیوم مرکب از کونوکو، کنوک و ساینوکم در ابتدا با درخواست نرخ پاداش ۲۶/۷۰ دلار و نهایتاً با پذیرش نرخ ۲۰/۲۰ دلار، برنده اعلام شد. حداقل تولید اعلامی برای این میدان ۳۲۰۰۰۰ بشکه اعلام شد که کنسرسیوم هدف ۳۹۰۰۰۰ بشکه در روز را اعلام نموده است.

۲. دور دوم مناقصه ها:

در این دور از مناقصه ها، ۱۰ میدان به نامهای مجنون، هالفایا، شرق بغداد، میادین شرقی، قیاره، فاز دوم قرنه غربی، قراف، بدره، فرات مرکزی و نجمه به مناقصه گذاشته شد که برای سه میدان شرق بغداد، میادین شرقی و نجمه مناقصه گذاری پیدا نشد و در مورد ۷ میدان به شرح زیر توافق حاصل شد.

✓ میدان مجنون: این میدان دارای تولید ۷۵۰۰۰ بشکه در روز می باشد که کنسرسیوم شل و پتروناس پذیرفته اند که با دریافت پاداشی معادل ۱/۳۹ دلار در هر بشکه، سطح تولید آن را به ۱/۸ میلیون بشکه برسانند. کنسرسیوم بنا برآورده تا ابتدای سال جاری تولید را به ۱۵۰۰۰۰ بشکه و تا سال ۲۰۱۲ آن را به ۱۷۵۰۰۰ بشکه در روز برسانند.

✓ میدان هالفایا: توسعه این میدان را کنسرسیومی مرکب از سی ان پی سی، پتروناس و توتال پذیرفته اند که با دریافت پاداشی معادل ۱/۴۰ دلار در هر بشکه، سطح تولید آن را به

۵۳۵۰۰۰ بشکه برسانند. کنسرسیوم بناست تا پایان سال جاری تولید را به ۷۰۰۰۰ بشکه و تا نیمه دوم سال ۲۰۱۲ آن را به ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز و تا پایان سال ۲۰۱۴ به ۶۰۰۰۰۰ بشکه برسانند.

✓ میدان قیاره: توسعه این میدان را شرکت سونانگال پذیرفته است تا با دریافت پاداشی معادل ۵ دلار در هر بشکه، سطح تولید آن را به ۱۲۰۰۰۰ بشکه برساند. شرکت مزبور بناست تا سال ۲۰۱۳ تولید را به ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

✓ فاز دوم میدان قرنه غربی: در این فاز از توسعه میدان یاد شده کنسرسیوم لوک اوپل و استت اوپل پذیرفته اند که با دریافت پاداشی معادل ۱/۱۵ دلار در هر بشکه، سطح تولید آن را به ۱/۸ میلیون بشکه در روز برسانند. کنسرسیوم بناست تا سال ۲۰۱۲ تولید را به ۱۲۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

✓ میدان قراف: توسعه این میدان را کنسرسیوم پتروناس و ژاپکس پذیرفته اند که با دریافت پاداشی معادل ۱/۴۹ دلار در هر بشکه، سطح تولید آن را به ۲۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسانند.

✓ میدان بدره: توسعه این میدان را کنسرسیوم گازپروم، کوگس (کره جنوبی)، پتروناس و شرکت ترکیش پترولیوم (تی پی ای او از ترکیه) پذیرفته اند که با دریافت پاداشی معادل ۵/۵۰ دلار در هر بشکه، سطح تولید آن را به ۱۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسانند. کنسرسیوم بناست تا سال ۲۰۱۳ تولید را به ۱۵۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

✓ میدان نجمه: برنده این میدان شرکت سونانگول (آنگولا) می باشد که پذیرفته با دریافت نرخ پاداشی معادل ۶ دلار در هر بشکه، سطح تولید را به ۱۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز برساند. تا سال ۲۰۱۳ شرکت یاد شده بناست سطح تولید را به ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز برساند.

۳. دور سوم مناقصه ها:

در این دور از مناقصه ها سه میدان گازی به نامهای منصوریه واقع در نزدیکی مرز ایران در استان دیاله، عکاز در استان انبار و سیبا در استان بصره به مناقصه گذاشته شد که جزئیات بیشتر آنها به قرار زیر است:

✓ میدان گازی عکاز: برای این میدان سطح حداقل تولید ۴۰۰۰۰۰۰ میلیون فوت مکعب

در روز از سوی دولت عراق تعیین شده است که کنسرسیومی مرکب از کوگس و شرکت گاز قزاقستان بناست با دریافت پاداشی معادل ۳۸ دلار در هر بشکه، معادل نفت آن را به ۴۲۵۰۰۰ میلیون فوت مکعب در روز برسانند. حجم ذخایر گاز این میدان ۱/۲ تریلیون فوت مکعب توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا برآورد شده است.

✓ میدان گازی منصوریه: سطح تولید حداقل این میدان توسط دولت عراق ۳۰۰۰۰۰۰ میلیون فوت مکعب در روز تعیین شده است. کنسرسیوم برندگان مرکب از شرکت ترکیش پترولیوم (تاپو)، شرکت انرژی کویت و کوگس تعهد نموده اند که این میدان توسعه دهند. حجم ذخایر این میدان معادل ۳/۳ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است و حداقل تولید روزانه ۳۰۰۰۰۰۰ میلیون فوت مکعب از سوی عراق برای آن در نظر گرفته شده است.

✓ میدان گازی سیبا: این میدان در نزدیکی بصره قرار دارد و یک کنسرسیوم به رهبری شرکت انرژی کویت قصد توسعه آن را دارند.

تلویحات سیاستی ناشی از بلند پروازیهای نفتی اخیر عراق

تا آنجا که به سیاست و حکومت در عراق برمی گردد، ریشه بلندپروازیهای اخیر نفتی عراق را می توان در تنظیمات قانون اساسی این کشور درباره چگونگی مدیریت منابع نفتی و گازی عراق و در پیش نویس قانونی تهیه شده برای مدیریت این منابع دید (Iraq Oil Forum, 2011). این پیش نویس با آنکه در سال ۲۰۰۷ منتشر شد اما تاکنون نتوانسته به تصویب مجلس نمایندگان این کشور برسد. به عبارت دیگر، می توان گفت چارچوب قانونی حکومت و سیاست عراق عملاً شرایطی را دامن زده است که به موجب آن نمی توان از سیاست نفتی و گازی یکپارچه در عراق سخن گفت. از این گذشته تنظیمات جاری قانونی، بازیگران صحنه عراق را در سطح محلی و منطقه ای و نیز مرکزی به سوی تولید بیش از حد نیاز و بدون ملاحظات ژئوپلیتیک و ملاحظه وضع بازار جهانی سوق داده است. اعتراضات مطرح شده و نیز اختلافات موجود در صحنه سیاسی عراق به خوبی چنین حدسی را راجع به چارچوبه قانونی مورد تبعیت نفت و گاز عراق نشان می دهد.

قانون اساسی عراق می گوید که نفت و گاز موجود در این کشور به همه مردم عراق تعلق دارد. با این حال دولتهای مرکزی و منطقه ای را موظف نموده تا نسبت به اولاً مدیریت مشترک نفت و گاز حاصل از میادین عراق همکاری نموده و ثانیاً فرمولی را در خصوص

توزیع درآمدهای حاصله بر حسب نسبت جمعیت مناطق مختلف تنظیم و به مورد اجرا گذارند. قانون اساسی هم چنین در باره قرارداد بستن وزارت نفت عراق با شرکتهای بین المللی نفت و گاز ساکت است. قانون هیدروکربورهای عراق که پیش نویس آن در فوریه سال ۲۰۰۷ منتشر شده و به تصویب شورای وزیران عراق رسید و هنوز به تصویب مجلس نمایندگان عراق نرسیده، سیستم ملی نفت را مورد تأیید قرار داده لکن تدابیری هم برای خصوصی سازی اندیشیده است. در این قانون قراردادهای مشارکت تولیدی با خارجیان دیده نشده که بنابراین باید به قراردادهای خدماتی بسنده نمود.

پیش نویس فوق مورد اعتراض اقشار مختلف شامل کارگران و اکراد قرار گرفته و در واقع فاقد مکانیسم روشنی برای تقسیم درآمدهای حاصله از بخش نفت و گاز بین دولت مرکزی و دولتهای منطقه ای است. تدابیر اندیشیده شده در این پیش نویس مورد موافقت کردهای عراق نبوده و در نتیجه دولت اقلیم کردستان عراق قانون نفت و گاز خود را تدوین نموده و در ۶ اوت ۲۰۰۷ آن را از مراحل قانونی گذرانیده است. در قانون نفت و گاز کردستان نه تنها قرارداد مشارکت تولیدی با خارجیان به رسمیت شناخته شده که چند بلوک هم به همین شیوه به خارجیان واگذار شده است. دولت مرکزی نسبت به این فرآیند اعتراض دارد.

از نگاه نظریه بازیها- که فرآیندهای اجتماعی را به صورت رشته‌ای از اقدامات متسلسل بازیگران در راستای بهینه سازی منافعشان مورد مطالعه قرار می دهد- روشن است که این شیوه از طراحی قانونی، کشور را به سوی تولید بیش از اندازه لازم هدایت می نماید. زیرا اولاً هر منطقه، نه تنها کسب درآمد بیشتر نفتی و گازی خود را در گرو توسعه بیشتر نفت و گاز موجود در منطقه خود می بیند که عملاً راهی قانونی هم برای مداخله آن در فرآیندهای تولیدی پیش بینی شده است. از این فراتر کشور در راستای خطوط قومی- مذهبی افراز شده است. بنابراین اگر منطقه کردستان عراق به بهانه مورد ظلم تاریخی رژیم بعث قرار داشتن و به پشتوانه حمایت سیاسی امریکائها دست به توسعه گسترده منابع نفت و گاز موجود در کردستان به شیوه مشارکت در تولید بزند، در آن صورت دو منطقه سنی نشین در مرکز عراق و شیعیان در جنوب، هر یک دلیلی نمی بینند که منابع درآمدی کمتر و به شیوه ای صیانتی و یا توأم با حزم و احتیاط بیشتر نسبت به کردستان را در زمینه نفت و گاز نصیب خود نمایند. به علاوه اگر کیفیت نفت برخی مناطق عراق پایین تر از مناطق دیگر

بوده و دولت عراق نتواند برای آنها مشتری خارجی توسعه دهنده در شرایط رقابتی را پیدا کند، باید دید چه اتفاق خواهد افتاد.

وضعیتی که تاکنون در عراق شاهد آن بوده ایم، حدس آموزشی فوق را در عمل تأیید می‌کند. به عنوان مثال، گزارش رسیده است که استانهای کربلا و ذی قار در حال فشار وارد نمودن به دولت مرکزی جهت توسعه میادین نفتی خود هستند. اما وزارت نفت در مقابل این تمایلات مقاومت به خرج می‌دهد. دولت عراق می‌گوید که تنها وزارت نفت عراق شایستگی امضاء قراردادهای نفتی با خارجیان را دارد و شرکت‌های خارجی نباید با دولتهای محلی وارد مذاکره و لابی در این جهت شوند.

گفته می‌شود مسئولین استان کربلا موافقت نامه ای را به صورت مشارکت در تولید با شرکت انرژی سن لیون و شرکت خدماتی المینا امضاء نموده‌اند. این میادین در دور دوم از مناقصه‌ها مطرح بوده اما برنده ای را به خود ندیدند. بلومبرگ گزارش داده که شرکت‌هایی از ژاپن، چین و امریکا که خواسته‌اند نامشان فاش نشود، با مسئولین استان ذی قار جنوبی در خصوص مناقصه میدان نفتی القتیا و ساخت یک پالایشگاه وارد مذاکره و هماهنگی شده‌اند. این میدان می‌تواند روزانه ۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند. همچنین گزارش‌ها حاکی است که شرکت‌های خارجی با استانهای میسان، ذی قار، انبار، واسط، دیاله و صلاح الدین مذاکراتی به دور از چشم دولت مرکزی در خصوص نفت و گاز داشته‌اند.

در کنار این بی توجهی‌های محلی و منطقه‌ای، دولت عراق نیز در بودجه ۲۰۱۰ و نیز ۲۰۱۱ موضوع دلارهای نفتی موسوم به پترو دلار را مطرح نموده است. بر این اساس، استانهای عراق برای هر بشکه نفت تولیدی و یا پالایش یافته خود و نیز هر ۱۵۰ متر مکعب گاز تولیدی در منطقه خود از دولت مرکزی یک دلار دریافت می‌نمایند. چنین قانون بودجه‌ای در راستای ابهام موجود در قانون اساسی، عملاً دولتهای منطقه ای را به سوی تلاش و لابی‌گری قانونی و غیرقانونی به سوی تولید بیشتر نفت و گاز با تبعات و پیامدهای وسیع سیاسی و اجتماعی برای حق حاکمیت عراق در آینده تشویق می‌نماید.

به این ترتیب، اگر بنا بود دولت امریکا با خروج احتمالی از عراق، حضور نرم خود را به بهترین وجه در عراق ادامه دهد، سازوکاری جالب تر از سازوکار نفت و گازی مورد اشاره در بالا وجود نمی‌داشت. شرکت‌های نفتی، نه تنها در تولید و توسعه میادین نفت و گاز مهارت دارند، که در کشورهای توسعه نیافته، طرح و برنامه و اقدامشان در خصوص

شهرسازی و توسعه و آبادانی مناطق به مراتب می‌تواند از دولتها قوی‌تر باشد. در این صورت، انتظار طبیعی این خواهد بود که از دریچه توسعه میادین نفتی، دولتهای منطقه‌ای و محلی به جای تأمین نیازمندیهای توسعه‌ای خود از طریق کانال دولت مرکزی، به شرکتهای عامل خارجی نفت و گاز حاضر در منطقه خود متوسل شده و به این ترتیب پدیده دولت در دولت را با تبعات تضعیف دولت مرکزی و یا همراهی دولت مرکزی از سرناچاری در پی آورند. در این صورت، خالی از انتظار نخواهد بود اگر اولین حلقه از خاورمیانه جدید مورد انتظار امریکا را در هارتلند عراق شاهد باشیم. مشاهده وضع جاری در عراق به ما می‌فهماند که ممکن است درخواست امتیاز نفت شمال ایران از سوی روسها با وابسته نمودن استانهای شمالی به آن کشور مرتبط باشد. آنها احتمالاً مهم‌تر از اکتشاف و توسعه نفت شمال-که نفوذ تا عمق بیش از ۸۰۰ متری آن هنوز نتیجه‌ای را بار نیاورده (۱۳۹۰، خادمی) - ممکن است توسعه منطقه‌ای را موسوم به «منطقه روس» در سر داشته‌اند، هدفی که کودتای مرداد ۱۳۳۲ امریکا و انگلیس آن را خنثی نمود.

دولت اقلیم کردستان گفته می‌شود که تاکنون ۴۰ قرارداد نفتی و گازی عمدتاً به شیوه مشارکت در تولید با خارجیان منعقد نموده است، شیوه‌ای که مورد قبول دولت مرکزی عراق نیست. احتمالاً این حجم بالا از قراردادهای منعکس‌کننده نگرانی کردها از بابت آینده‌شان است. نخست آنکه آنها در یک آماده‌باش احتمالی برای استقلال کردستان، مایلند که تا امکان قراردادهای بیشتری را برای روز مبادا در اختیار داشته باشند. از سوی دیگر، ناامیدی از بابت راه نداشتن به صادرات با توجه به بلندپروازیهای دولت مرکزی در افزایش تولید و صادرات در جنوب و مرکز عراق، این گزینه را تنها برای کردها باقی گذاشته که تا حد امکان با شرکتهای ترک بیشتری وارد تعامل گردند.

با این حال بدنبال توافقات اخیر دولت مرکزی و دولت اقلیم کردستان و برقراری مجدد صادرات نفت از طریق خط لوله کرکوک به ترکیه، لیستی از هزینه‌های خدماتی انجام شده توسط شرکتهای خارجی در بخش نفت و گاز کردستان از سوی دولت اقلیم کردستان به دولت مرکزی جهت تسویه حساب از سوی خزانه داری عراق ارسال شده است. دولت مرکزی اعلام می‌دارد که مایل است پس از حسابرسی، دستور پرداخت این هزینه‌ها را صادر نماید. با این حال، از نداشتن اطلاعات کافی در خصوص سنجش صحت و سقم هزینه‌های انجام شده در رنج است. چنین مشکلی نه تنها به راحتی قابل چشم‌پوشی نیست

که سیاست نفتی عراق را در مقابل مناطق دیگر هم، با مشکلی نظری مواجه خواهد نمود. زیرا در حالی که ائتلاف عراقیه^۱ معتقد است که تمام قراردادهای اخیر نفتی این کشور به ویژه دور سوم مناقصه‌ها که پس از انتخابات مجلس نمایندگان و در زمان تعطیلی جلسات مجلس منعقد شده، باید مورد بازبینی قرار گیرد و در حالی که عدنان جنابی رییس کمیسیون انرژی مجلس نمایندگان عراق مدعی است که مجلس باید بر تمام قراردادهای منعقد اخیر نفتی و گازی کنترل داشته باشد، در عین حال نامبرده قراردادهای مشارکت در تولید منعقد توسط دولت اقلیم کردستان را معاف از این کنترل و بازبینی دانسته و توافق اخیر دولت مرکزی با دولت کردستان را کافی دانسته است. جالب اینجاست که در پاسخ به اظهار نظر جنابی، دولت عراق مدعی است که مجلس نیازی نیست قراردادهای منعقد با خارجیان را مورد واریسی قرار دهد. زیرا این قراردادها در باره انتقال مالکیت منابع نفتی و گازی عراق وارد هیچ توافقی نشده اند (Lando, 2011). این یک بام و دو هوای سیاستی منجر به چیزی جز از هم فروپاشی درونی سیاست نفتی در عراق نیست.

چندی پیش یک نماینده سابق کرد در مجلس عراق به نام خانم شعثناء الموسوی - که بعداً بدلیل انفجار بمب در مقابل خانه اش مجبور به عزیمت به اربیل شد- انعقاد قرارداد میدان نفتی رمیله با کنسرسیوم بی پی و سی ان پی سی را خلاف قانون اساسی دانسته و به دادگاه فدرال شکایت برد (Mason 2010). دولت مرکزی در مقام پاسخ به این شکایت اعلام نموده که تصویب مجلس نمایندگان در باره معاهدات بین المللی و دوجانبه با دولتهای دیگر لازم است و نه در باره قراردادهای تجاری منعقد بین یک شرکت نفت منطقه ای عراق و یک شرکت بین المللی نفت و گاز. ثانیاً این قراردادها به صورت خدمات فنی - مهندسی و بر اساس قانون هیدروکربورهای عراق بسته شده اند و بنابراین به مصوبه مجلس نیاز ندارند. دادگاه عالی فدرال عراق، قرارداد یاد شده را مخالف قانون اساسی عراق نشناخته است.

به هر حال نکته اساسی اینست که قانون هیدروکربورهای عراق تنها پس از تصویب مجلس نمایندگان می تواند مستمسک قانونی قرار گیرد. از این گذشته، این قراردادها هم به لحاظ مفاد حقوقی آنها و ناطمینانی حاکم بر سرنوشتشان و نیز تأثیرشان بر سرنوشت حق حاکمیت عراق در آینده و هم با استناد به اثرات و پیامدهای بزرگ آنها برای سیاست نفتی

۱- اهمیت این ائتلاف از این جهت است که ائتلاف شیعی مهمی است که دارای مبانی سکولار در اداره حکومت می باشد و ایاد علاوی نخست وزیر دوره پس از اشغال در رأس آن فعالیت می کند.

جهان و رفاه و بهروزی عراق آینده، نمی‌توانند صرفاً تجاری تلقی شده و به دور از چشم مجلس نمایندگان عراق مورد رتق و فتق قرار گیرند.

نگاهی به ابهامات حقوقی ناشی از قراردادهای اخیر نفتی و گازی عراق

واقعیت این است که وضعیت عراق و این قراردادها نگران‌کننده است. لیپسی می‌گوید (Bohm, 1987) اگر بدنبال وجود برخی اختلالات در محیط، نتوانید در بهینه‌سازی به بهترین گزینه دست یابید، این بدان معنی نخواهد بود که در بهینه‌سازی خود در شرایط اختلالی خواهید توانست به بهترین گزینه درجه ۲ رهنمون شوید. زیرا فعل و انفعالات ناشی از اختلالات با سایر مؤلفه‌های سیستم و محیط اقدام، ممکن است در عمل شما را در بهینه‌سازی به گزینه‌های بهترین درجه ۳، ۴ و یا حتی درجات پایین‌تر هدایت نمایند. اهمیت اشاره به تئوری لیپسی از این جهت است که در شرایطی که عراق با مشکل نامنی دست به‌گیریان است و این کشور در اشغال نظامی قدرتمندترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان است، و نیز در شرایطی که بنیه فنی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی این کشور تا حد زیادی ضعیف است و حتی بخش نفت و گاز آن خالی از کارشناسان زبده و کارکشته موجود در چند دهه پیش می‌باشد، و در شرایطی که این کشور در معرض فشارهای چندگانه قومیتی-مذهبی از درون و نیز از بیرون است، چگونه دولتمردان عراقی مصلحت کوتاه مدت در اداره کشور را نادیده گرفته و دست به کار برنامه ریزی بلندمدت با این حجم از بلندپروازیها و بدون ملاحظه مشخصات بازار جهانی آینده نفت و گاز و انرژی می‌شوند. البته اخیراً به نظر می‌رسد دولت عراق به بخشی از این اشتباه راهبردی خود پی برده است. حسین شهرستانی معاون نخست وزیر عراق در امور نفت در پاریس اخیراً اعلام نموده که هدف عراق بیشینه‌سازی تولید نفت نیست. بلکه هدفش بیشینه‌سازی درآمدهای حاصله از نفت و گاز است. بنابراین، اگر ملاحظات بازاری و ژئوپلیتیک به ما بگویند که باید در اهداف اعلامی خود تجدیدنظر نماییم، ما آماده تجدیدنظر خواهیم بود. (Asharq Al -Awsat, 2011).

ذیلاً به چند احتمال حقوقی که ممکن است برای عراق در آینده در دسر ساز باشد، اشاره می‌شود: اخیراً اختلافی بین وزارت نفت عراق و شرکتهای خارجی برنده مزایده‌ها جهت توسعه میادین رمیله، قرنه غربی و زبیر در خصوص هزینه‌های مربوط به سیستم آب‌رسانی

در راستای افزایش بازیافت ثانویه نفت این میدین مطرح شده است. عراقیها قبلاً انتظار داشته‌اند که هزینه این عملیات در حد ۱۰ میلیارد دلار برآورد شود. با این حال شرکتهای خارجی به رهبری اگزان موبیل هزینه‌های فوق‌الذکر را بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار می‌دانند که این اختلاف در برآورد هزینه‌ها می‌تواند تأخیر در عملیات توسعه میدین را در پی داشته باشد. احیاء میدین نفتی در جنوب نهایتاً به تزریق روزانه ۱۲ میلیون بشکه آب دریا در سه فاز نیاز دارد. فاز اول این آب رسانی شامل ۲ میلیون بشکه در روز می‌شد که اخیراً درخواست تغییر آن به ۴ میلیون بشکه در روز مطرح شده است. آب رسانی فاز اول بناست شامل میدین قرنه غربی، میدین زیبر و رمیله گردد (Lawson, 2011).

در حال حاضر، دولت عراق در پی این است که راهی برای از بین بردن شکاف تخمین هزینه‌های آبرسانی پیدا نماید. طبیعی است یک راه این است که در نهایت دو طرف به عددی بین ۱۰ و ۲۰ میلیارد دلار به عنوان هزینه آب رسانی به توافق برسند. حال این عدد جدید بناست در متن قرارداد وارد شود و این در صورتی خواهد بود که هنوز تشریفات قرارداد نهایی نشده باشد و در هر صورت در این شق به معنی افزایش هزینه خدمات مربوط به توسعه میدین یاد شده خواهد بود. راه دیگر اینست که عدد جدید مذاکره شده به عنوان هزینه‌های مکمل در نظر گرفته شود. اما روشن است که هزینه‌های مکمل شرایط سخت‌تری را در بازپرداخت دارند؛ منجمله بر آنها نرخ بهره تعلق می‌گیرد. حال در این صورت، مشکل وقتی پدیدار می‌شود که بعداً معلوم شود بازار نفت جهان آمادگی جذب نفت توسعه یافته توسط این پیمانکاران را ندارد. در آن صورت روشن است که یک منازعه جدید بین شرکت خدماتی و دولت عراق قابل پیش‌بینی خواهد بود. زیرا دولت عراق مجبور است که زمان قرارداد را تمدید نماید که در نهایت نرخ‌های بهره تعلق گرفته به هزینه‌های مکمل هم رشد خود را خواهند داشت. از سوی دیگر، ممکن است شرکت خدماتی خواهان افزایش تولید باشد و در شرایطی که چنین کاری برای دولت عراق مقرون به صرفه نباشد، در آن صورت باید به وجوه مکمل دولت عراق رضایت شرکتهای خدماتی را فراهم آورد. حال اگر فرض کنیم که این تعداد کنسرسیوم خدماتی شاغل در خدمات نفت و گاز عراق همه در همین مقوله با دولت عراق وارد گفتگو و منازعه شده و تصمیم بگیرند که حق دفاع از خود را در مقابل دولت عراق به یک نماینده واگذار نمایند، در آن صورت معنای مذاکره با چنان نماینده‌ای برای عراق بر حسب حق حاکمیت و استقلال این

کشور چه خواهد بود؟

مثال دیگر مربوط به هزینه‌های پیش‌بینی نشده و محتمل مانند هزینه‌های مین‌زدایی و رفع موانع از مناطق عملیاتی نفتی و گازی و نیز هزینه‌های امنیتی است. بند هفتم قراردادهای تیپ خدماتی تهیه شده اخیر مستقیماً دولت عراق (و یا بهتر بگوییم شرکت نفت منطقه‌ای طرف قرارداد) را در قبال این هزینه‌ها مسئول شناخته و از این بابت هیچ هزینه‌ای را بر دوش شرکت‌های خدماتی خارجی عامل نمی‌داند. اما اگر دولت عراق در اقدامات خود موفق نشود، بر اساس قرارداد، حق اقدام را به هزینه خود برای شرکت‌های خدماتی عامل باقی می‌گذارد. راستی معنای قائل شدن چنین حقی برای یک شرکت عامل خدماتی خارجی در قرارداد چیست؟ آیا جز این است که شرکت‌های امنیتی وابسته به شرکت‌های خدماتی خارجی نفت و گاز مجاز خواهند بود در سرزمین‌های عراق به هزینه دولت عراق جولان دهند، هزینه‌هایی که بعداً به عنوان هزینه‌های مکمل از محل دارایی‌های نفتی عراق قابل پرداخت خواهد بود؟

اخيراً شرکت‌های بین‌المللی برنده مناقصه‌ها^۱ از کاغذبازی طولانی، در دسترس نبودن مسئولان عراق به خصوص وقتی پای هزینه‌ها در میان است، مشکلات تدارکاتی، کندی کار و بالاخره نرخ بالای هزینه ویزا و یک سفره بودن ویزاها شکوه دارند. واقعیت این است که عبارات و واژه‌هایی مبهم در قراردادهای اخیر نفتی و گازی عراق وجود دارد که پی بردن به کنه تعهدات و هزینه‌های ناشی از آنها برای دولت عراق به بررسی جامع این قراردادها با بنیه علمی کافی و میزان آشنایی بالا به زبان انگلیسی نیاز دارد و جای تردید وجود دارد که تا چه حد با دقت این قراردادها مورد بازبینی و مطالعه توسط دولت عراق قرار گرفته باشد. به عنوان مثال در بند ۷ این قرارداد‌های تیپ شرکت نفت منطقه‌ای طرف قرارداد شرکت بین‌المللی نفتی متعهد دانسته شده است که ویزای ورود و تمدید آن را تأمین نماید و تمهیدات لازم برای ثبت نام کارگران خارجی مورد نیاز را بدون هیچگونه هزینه‌ای، و نیز تشریفات گمرکی لازم برای ورود و خروج تجهیزات مورد نیاز شرکت خارجی را فراهم آورد.

حال سؤال اینست که اگر روابط دولت مرکزی با دولت منطقه‌ای ذیربط و روابط دولت مرکزی با شرکت منطقه‌ای ذیربط، و یا روابط شرکت منطقه‌ای ذیربط با شرکت مرکزی

۱- پیداست که یک مناقصه از سوی دیگر مزایده به حساب می‌آید. در زبان نگلیسی هر دو واژه با عنوان auction شناخته می‌شود.

نفت عراق و غیر آن تغییر نموده و به تنش میل نماید-که احتمال آن در شرایط امروز عراق دور از انتظار نیست-در آن صورت چه اتفاقی بر سر این تعهدات و اجرای آنها و یا هرگونه هزینه اضافی ناشی از اجرای زمان مند آنها خواهد آمد؟ اگر دولت مرکزی تصمیم بگیرد بنا به هر ملاحظه ای نرخ خدمات یاد شده را از حاشیه ای خاص فراتر ببرد، چگونه باید مطمئن بود که این هزینه ها به صورت هزینه های مکمل در آینده مورد درخواست شرکتهای خدماتی خارجی قرار نخواهند گرفت؟

بنابراین ملاحظه می شود با ظرافت خاصی طرف حساب این شرکتهای خدماتی خارجی، یک شرکت منطقه ای نفت در نظر گرفته شده است که روابط فی مابین ماهیتی تجاری به خود گرفته و به بهترین شکل ممکن قابل پیگیری باشند. از سوی دیگر آنجا که پای خطاهای شرکت خدماتی خارجی پیش می آید، لحن قرارداد کاملاً ملایم و مسالمت جویانه است. به عنوان مثال، بند ۶-۷ یک قرارداد تیپ می گوید که در صورت ارتکاب خلاف قانونی ناخواسته، دو طرف موافقت می نمایند که با حسن نیت و در جهت منافع طرفینی تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند. این بدان معنی است که اگر معلوم شود که در اثر یک اشتباه فنی و یا فناوری، تولید صیانتی یک میدان در معرض مخاطره قرار گرفته است، عملاً معلوم نیست دست دولت عراق به کجا برسد!

واقعیت این است که این نوع از قراردادهای خدماتی شرایطی را در پیش زمینه خود تصور می نمایند که ما در علم اقتصاد آنها را شرایط بلندمدت برای یک جامعه می نامیم. شرایطی که در آن اختلالات کوتاه مدت رخت بر بسته و احتمال رخدادهای بر خلاف انتظار و پیش بینی کوچک است، نه شرایطی به مانند شرایط امروز عراق که جولانگاه خارجیان اعم از قدرتهای بزرگ و منطقه ای و بازیگران غیردولتی پرورش دهنده رفتارهای تروریستی در کنار طوایف و قومیتها و طرفداران مذاهب مختلف است و هر روز دولت عراق با مسئله ای جدید با ابعادی جدیدتر می تواند مواجه باشد. کدام دولت عاقلی در این شرایط مملو از اختلال به فکر بهینه سازی مسیر بلندمدت خود از مسیری بلندپروازانه می افتد؟

نتیجه گیری

از زمان اشغال عراق توسط امریکا تاکنون سه دور مناقصه نفتی و گازی در این کشور برگزار گردیده و دور چهارم آن بناست در ژانویه سال ۲۰۱۲ میلادی برگزار گردد. بر اساس

نتایج این مناقصه ها پیش بینی شده است که تولید نفت عراق با جهشی بزرگ در سالهای منتهی به ۲۰۲۰ مواجه باشد، جهشی که به نظر برخی کارشناسان نفتی، می تواند غیرواقعی، بلندپروازانه و ناسازگار با بنیادهای نفتی^۱ امروز عراق باشد.

نوشتار حاضر دو سؤال در این رابطه مطرح نمود. اول اینکه ریشه چنین بلندپروازیهای نفتی در سیاست و حکومت عراق در کدام نقطه قرار دارد؟ دوم اینکه چنین بلندپروازیهایی، چه تبعاتی را ممکن است برای آینده حق حاکمیت و استقلال سیاسی عراق به دنبال داشته باشند؟

پاسخ نوشتار حاضر به سؤال اول این است که سیاست نفتی عراق باید از وضعیت تاریخی نوسان بین افراط و تفریط پرهیز نماید. به نظر می رسد میل به افراط و تفریط شرایطی را فراهم آورده است که نوعی از سازوکار نفتی و گازی بتواند در قانون اساسی و در پیش نویس قانون هیدروکربورهای این کشور جای گیرد که به تولید مازاد بر نیاز بازار جهانی و به توسعه بی پروا و غیرصیانتی از میادین نفت و گاز این کشور انجامیده و بلندپروازیهای اخیر نفتی و گازی را به ارمغان آورد؛ دولت عراق باید تلاش بلیغی را در راستای رفع مشکل یاد شده به عمل آورد و از مشورت های جمهوری اسلامی ایران خود را بی نیاز احساس نکند. در حال حاضر پیش بینی ما این است که شرکتهای بین المللی نفت و گاز فشار ویژه ای را بر مجلس و دولت عراق وارد می آورند تا ظرف یکی دو ماه آینده، پیش نویس قانون نفت و گاز عراق را از تصویب مجلس نمایندگان این کشور گذرانیده و در نتیجه قراردادهای منعقد شده با خارجیان را الزام آور نمایند. گرچه دولت عراق در اظهارنظری قبل از انتخابات اخیر مجلس این کشور اعلام نموده بود که حتی بر فرض عدم تصویب مجلس، شانه خالی نمودن از زیر بار تعهدات مندرج در قراردادهای اخیر جریمه های قابل توجهی را برای عراق به همراه خواهد داشت.

نوشتار حاضر در پاسخ به سؤال دوم مثالهایی را از ابعاد حقوقی تحولات اخیر نفت و گاز عراق مطرح نموده و احتمال وجود خلأهای حقوقی و قابل برداشت توسط شرکتهای بین المللی نفت و گاز در قراردادهای اخیر را بالا دانست. به این ترتیب، این عقیده مطرح شد که نه تنها بلندپروازیهای نفتی و گازی اخیر عراق می تواند ترجمانی از فروپاشی درونی یک سیاست نفتی یکپارچه و منسجم در عراق باشند که به احتمال می تواند تبعات

ناخوشایندی را بر حسب حق حاکمیت، استقلال سیاسی و رفاه مردم عراق در آینده در پی داشته باشند.

بار دیگر، ضرورت توجه به افراط و تفریط در سیاستهای نفتی عراق مطرح می‌گردد. روزگاری شرکتهای امریکایی و انگلیسی حاکم بر کنسرسیوم نفتی عراق در راستای منافع خود از تولید بالای نفت سر باز می‌زدند و در نتیجه با فراهم نیاوردن سرمایه مالی مورد نیاز توسعه عراق، احتمال رخدادهای سیاسی خشن و کودتاهای سیاسی را برای این کشور فراهم آوردند. روزگاری دیگر، این کشور راه ورود شرکتهای نفتی خارجی را بر عراق بست و در نتیجه اسباب چکانیدن ماشه حمله نظامی را در کنار بی احتیاطی های دیگر دولتمردان خود فراهم آورد. امروز هم در جهت مخالف و در راستای عطش توسعه‌ای پاسخ داده نشده از گذشته، چنان این کشور به دامان شرکتهای بین المللی نفت و گاز غلطیده که گفته می‌شود مناقصه های نفتی و گازی اخیر این کشور یکی از بزرگترین مناقصه های ۱۵۰ ساله اخیر در تاریخ نفت بوده اند.

منابع و مأخذ

۱- منابع فارسی

۱۱. نوروز علی، محمد حسین (۱۳۹۰)، عراق: ذخایر نفتی، میداین نفتی و تولید.
۲. خادمی، هدایت اله (۱۳۹۰)، طلسم ورود دستگاه حفاری ملکی به کشور پس از ۲۸ سال شکسته شد، پایگاه خبری سبد نیوز.

۲- منابع انگلیسی

1. Chalabi, Fadhil J., (2000), "Iraq and the Future of World Oil," Middle East Policy, vol. vii, no. 4.
2. US Department of Energy, Energy Information Administration (EIA), Iraq Country Analysis Brief, October 2002. Iraqi Oil Officials Agree, Estimating Reserves at 270-300 Billion Barrels in "Iraq's Oil Industry: An Overview," Platts, available as of May 17, 2011 at:
3. http://www.mnforsustain.org/oil_renner_m_us_oil_policy_iraq.htm.

4. Mackey, Peg, (2011), IOD, Iraq Ready to Scale Back Output Targets.
5. Iraq's Al-Shahristani: Baghdad Ready to Scale Back Production Targets, Thursday, April 7, 2011.
6. Lando, Ben, (2011-1), Oil Ministry Rejects Provincial Oil Deals, Iraq Oil Report, available as of May 17, 2011 at: <http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.
7. Lando, Ben, (2011-2), Parliament Wants Role in Iraqi Oil Deals, Iraq Oil Report, available as of May 17, 2011 at: <http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.
8. Lando, Ben, (2010-1), the Dealmaker, Iraq Oil Report available as of May 17, 2011 at: <http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.
9. Lando, Ben, (2010-2), Iraqiya against Gas and Oil Deals, Iraq Oil Report, available as of May 17, 2011 at: <http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.
10. Wikipedia (2011) Iraq, available as of May 17, 2011 at: <http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82>.
11. Stork, Joe, (1975), Middle East Oil and the Energy Crisis, New York: Monthly Review Press.
12. History of Oil in Iraq, (2011), available at:
13. <http://www.globalpolicy.org/iraq/iraq-conflict-the-historical-background-/history-of-oil-in-iraq.html>.
14. Luft, Gal, (2007), Brookings: How Much Oil Does Iraq Have? Available as of May 17, 2011 at: <http://www.cfr.org/iraq/brookings-much-oil-does-iraq-have/p14701>.
15. Guner, Volkan, (2010), Source of Conflict and Life: Energy Future of Iraq,

available as of May 17, 2011 at: <http://www.eurasiacritic.com/articles/source-conflict-and-life-energy-future-iraq>.

16. Walt, Vivienne, (2009), US Companies Shut out as Iraq Auctions Its Oil Field, available as of May 17, 2011 at: <http://www.time.com/time/world/article/0,8599,1948787,00.html>.

17. Satter, Raphael G., Iraq Lays out Rules for 1st Round of Oil Bids, available as of May 17, 2011 at: http://www.realclearmarkets.com/news/ap/finance_business/2008/Oct/13/iraq_lays_out_rules_for_1st_round_of_oil_bids.html.

18. Iraq-business news (20 February 2011), Another Iraqi Oil and Gas Licensing Round Late 2011, available as of May 17, 2011 at: <http://www.iraq-business-news.com/tag/auction/>.

19. Iraq Oil Forum (2011), Resources, available as of May 17, 2011 at: <http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.

20. Mason, Rowena, (2010), BP's Iraqi Oil Deal Faces Court Battle, available as of May 17, 2011 at: <http://www.telegraph.co.uk/finance/newsbysector/energy/oilandgas/7062249/BPs-Iraq-oil-deal-faces-court-battle.html>.

21. Peter Bohm (1987 [2008]), Second Best, The New Palgrave: A Dictionary of Economics, v.4, pp. 280-84.

22. Asharq Al-Awsat (2011), Talks to Iraqi Deputy Prime Minister for Energy Hussein Al-Shahristani, available as of May 17, 2011 at: <http://onedinar.forumotion.net/t31565-asharq-al-awsat-talks-to-iraqi-deputy-prime-minister-for-energy-hussein-al-shahristani>.

23. Lawson, Duncan, (2011), Iraqi Minister Announces Commencement of \$15 Billion Water Plant, available as of May 17, 2011 at: <http://www.moveoneinc.com/blog/middle-east/eniraqi-minister-announces-commencement-15-billion-water-plant>.

Political Implications Raised By Recent Oil & Gas Tenders in Iraq

Ali BINIAZ

PhD in Economic Science, Senior Political Expert to Research Deputy Office,
Manager of International Economics & Energy Studies, Political &
International Studies Bureau

Ever since the occupation of Iraq by USA, three rounds of oil and gas tenders have been organized there and the fourth one is to be organized in January 2012. Based on these bids and tenders, the daily oil output in Iraq is to increase to 5.12 or 5.13 million barrels up to 2017. Despite the seemingly ambitious or even unreal output of this magnitude, the question has raised that which sector of the Iraqi policy and government dictate such ambitions and which consequences these may bring along for the future policy of Iraq.*

The present article has, through an exploratory method based on speculations, drawn the conclusion that the origin of such ambitions could be traced back to the oil and gas mechanisms in the Constitution of Iraq as well as in the draft of Hydrocarbons Act of the country. These structural and statutory complications are not only reflections of the inherent collapse of integrated oil policy in Iraq but can have untoward repercussions in future affecting the sovereignty, political independence and economic welfare of Iraq as well.

Certain experts evaluate the increase to a daily output of 6 to 8 million barrels as more realistic.

Keywords: Oil & gas tenders in Iraq, Iraqi Constitution, draft of Hydrocarbons Act of Iraq, Iraqi oil policies, Iraqi oil history